



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۶/۰۶/۲۸

نویسنده: ن . جلیل زاد

## افغان و افغانستان این آیه ای مقدس عشق و غرور

از تاریکی تا تابش ،نامه ای به سرزمین آرزوها آغازی از دل کوه ها در ستایش نامی به نام افغان، در عشق به خاکی به نام افغانستان افغانستان، ای مقدس ترین نام روی زمین افغان بودن ، تقدیسی که در خون جاری است سرود افغانستان، نامی که از خاک تا افلاک می درخشد ای افغان، ای فرزند مقدس ترین خاک تاریخ افغانستان ، نامی که در رگ های ما می تپد افغانستان ، تو ضربان قلب مایی. افغانستان نامی نیست که فقط بر نقشه ای نوشته شده باشد. افغانستان زخمی است که در سینه ای تاریخ نفس می کشد، و در همان حال، عشقی است که در رگ های هر فرزند این خاک جاری است.

این سرزمین، در دامان کوه های سر به فلک کشیده ای هندوکش، در آب های زلال کنر و هلمند و آمو، در دشت های گسترده ای هرات و بلخ، قصه ای را روایت می کند که هم زمان شکوه است و هم درد، هم افتخار است و هم آرزو. وقتی از افغانستان سخن می گوئیم، از یک جغرافیا نمی گوئیم، از یک روح سخن می گوئیم. روحی که در طول هزاران سال، در کنار راه ابریشم ایستاد و شاهد عبور کاروان های اندیشه، تجارت و تمدن بود. این خاک، گذرگاه فرهنگ ها بود، نه دیواری میان آن ها ، پلی بود که شرق و غرب را به هم می پیوست، نه سدی که آن ها را از هم جدا کند.

شکوه ای که در خاک خفته است روزگاری، این سرزمین خانه ای اندیشمندانی بود که نام شان در تاریخ علم و فلسفه جهان درخشید. از دل همین خاک، چراغ های دانش روشن شد که نورش تا اروپا و فراتر از آن رسید. این میراث گرانبها به ما می گوید که خردگرایی و عشق به دانایی، در ذات این مردم ریشه دارد، این نه وامی از بیگانه، بلکه گوهری است که از آغاز در دل این سرزمین نهفته بوده است.

اما تاریخ، همچون رودی که گاه آرام و گاه طوفانی است، مسیر این سرزمین را بارها دگرگون کرد. جنگ ها آمدند، تهاجم ها آمدند، و رقابت های قدرت، چون ابری تاریک، بر آسمان این خاک سایه افکند. اما زیر آن خاکستر، همیشه آتشی نهفته ماند، آتش امید، آتش عشق به وطن، آتشی که هرگز خاموش نشد.

انسان افغان ، شکوه در رنج مردم این سرزمین، در میان سخت ترین روزهای تاریخ، چیزی را از دست نداده اند که از همه گرانبهاتر است: کرامت انسانی شان. زنان این سرزمین، با وجود همه ای محدودیت ها، شمع ای امید را در دست نگه داشته اند. مردان این سرزمین، در دل سخت ترین طوفان ها، عشق به خانه و فرزند و خاک را زنده نگه داشته اند. کودکان این سرزمین، حتی در نبود مکتب و کتاب، رؤیای آینده ای روشن تر را در دل می پروراند.

این مردم سزاوار سرنوشتی بهتر از آن چه تاریخ بر آن ها تحمیل کرده، بوده اند. آن ها سزاوار پوهنتون هایی بودند که مرکز نوآوری باشند، نه میدان رقابت ایدئولوژی ها.

سزاوار مکتب هایی بودند که در آن کودک بیاموزد چگونه ببیند، نه آن که چه ببیند. سزاوار جامعه ای بودند که در آن زن و مرد، دست در دست هم، آینده ای مشترک بسازند.

وطن مشترک، خانه ای آبی ما افغانستان خانه ای مشترک همه ای فرزندان این خاک است ، پشتون و تاجیک، هزاره و ازبک، بلوچ و ترکمن، نورستانی و ایماق، همه در زیر یک آسمان، در کنار یک رود، در دل یک کوهستان زندگی می کنند.

این تنوع، نه نقطه ضعف، که گوهر گرانبه ای این سرزمین است ، همچون باغی که هر گلش رنگی دارد، اما همه از یک خاک می رویند و از یک آب سیراب می شوند. عشق به افغانستان، عشق به همه ای این رنگ هاست. عشق به زبان هایی که در کوچه ها و بازارهایش طنین انداز می شود ، عشق به آوازهایی که در شب های روستا خوانده می شود، عشق به دستانی که نان می پزند، زمین را شخم می زنند، کتاب می نویسند، و آینده را می سازند. این سرزمین آبی ماست ، خاکی که اجداد ما در آن خفته اند و فرزندان ما در آن خواهند بالید.

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکني دلیکنيزی بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکي په خیر و لولی

هشدار از دل تاریخ اما عشق بدون هشیاری، عشقی ناقص است. تاریخ به ما آموخته که هیچ ملتی بدون آزادی اندیشه به پیشرفت پایدار نرسیده است.

اگر این سرزمین بخواد دوباره برخیزد، باید از تکرار اشتباهات گذشته بپرهیزد. تعصب، هر جا که سر برافراشت، چراغ خرد را خاموش کرد. جهلی که به نام دین، به نام سنت، یا به نام سیاست بر جامعه تحمیل شد، نسل‌ها را از مسیر طبیعی رشد بازداشت.

این هشدار، نه از سر ناامیدی، که از سر عشق است. عشق به این سرزمین ما را موظف می‌کند که از گذشته درس بگیریم، نه آن که در آن زندانی شویم.

ما باید از شاگردانی که حافظه‌شان را با متون کهنه پر می‌کنیم، به سوی نسلی حرکت کنیم که می‌داند چگونه بپرسد، چگونه ببیند، و چگونه بیافریند.

آینده‌ای که در دستان ماست نسل امروز افغانستان، حتی در سخت‌ترین شرایط، با جهان در ارتباط است. این نسل می‌داند که قدرت واقعی یک ملت، نه در سلاح، که در توانایی اندیشیدن و نوآوری نهفته است. این نسل، حامل رویایی است که نسل‌های پیشین در دل داشتند اما فرصت تحقق آن را نیافتند.

آینده ای افغانستان در دستان کسانی است که به قدرت اندیشه ایمان دارند، در دستان معلمانی که چراغ دانش را روشن نگه می‌دارند، در دستان مادرانی که فرزندان‌شان را به آرزو و امید تربیت می‌کنند، در دستان جوانانی که به جای جنگیدن با یکدیگر، دست در دست هم برای ساختن وطن مشترک تلاش می‌کنند.

روزی خواهد رسید که این سرزمین، نه میدان رقابت تعصبات، بلکه خانه ای علم، آزادی و کرامت انسانی باشد. روزی که هیچ کودک از آموزش محروم نباشد، هیچ زن به دلیل انسان بودنش سرکوب نشود، و هیچ اندیشه‌ای به خاطر پرسشگری خاموش نگردد.

آن روز، تمام رنج‌های گذشته معنایی تازه خواهند یافت، معنای رنجی که به امید ختم شد، نه رنجی که در تاریکی فرو ماند.

نامه ای پایانی به وطن ای افغانستان، ای خاک آبی ما، ای خانه‌ای مشترک همه ای فرزندان! تو را با همه‌ای زخم‌هایت دوست داریم، با همه‌ای کوه‌هایت، با همه‌ای دشت‌هایت، با همه‌ای فرزندان که در گوشه‌گوشه ای این خاک برای فردایی بهتر می‌جنگند.

تو همان سرزمینی هستی که از دل تاریکی برخاستی و بارها، با وجود همه ای طوفان‌ها، دوباره ایستادی. ما به تو وعده می‌دهیم که چراغ امید را در دل نگه می‌داریم، که برای آزادی اندیشه، برای حق آموزش هر کودک، برای کرامت هر زن و مرد این سرزمین، خواهیم ایستاد.

ما به تو وعده می‌دهیم که عشق ما به تو، نه شعاری گذرا، بلکه راهی است که با گام‌های عملی طی می‌شود. افغانستان جان، روزی خواهد رسید که نام تو نه با جنگ، که با دانش، نه با تفرقه، که با یگانگی، نه با تاریکی، که با روشنایی شناخته شود.

آن روز، تو نه تنها گذشته ای پررنج خود را پشت سر خواهی گذاشت، بلکه به الگویی از احیای انسانی و فرهنگی در جهان تبدیل خواهی شد. و ما، فرزندان این خاک، در آن روز، با سری افراشته خواهیم گفت:

این سرزمین، خانه ای ماست، این مردم، خواهران و برادران ما، این تاریخ، میراث مشترک ماست، و این آینده، رویایی است که با دستان خودما خواهیم ساخت.

افغانستان، تو در قلب ما زنده‌ای، امروز، فردا، و تا ابد.

### آرشیف: مطالب نشر شده ن. جنیل زاد

د پانو شمېره: له 2 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de) یادونه: دلیکني د لیکنيزې بڼې پاڼوالې د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په څیر و لولئ